

خاطره

ماجرای قتل سه راننده

توسط قاتلان افغان

خاطره یکی از کارآگاهان

پلیس آگاهی است

که این هفته

آن را روایت کرده‌ایم

راز ۳ قتل در شک

مامور جوان



ویژه‌نامه حوادث اروزنامه جام جم
چهارشنبه ۲۸ دی ۱۴۰۰ | شماره ۱۰۰۳

کابل برگردان یا کلاهبرداری؟

معاون اجتماعی پلیس فتای فراجانسبت به کلاهبرداری از شهروندان به بناهه کابل برگردان مخابرات هشدارداد. سرهنگ رایین پاشایی بایان این که کلاهبرداران و مجرمان سایبری از هر فرصتی برای سوءاستفاده از کاربران و تحقق اهداف مجرمانه خود بهره می‌برند، گفت: لازم است که شهروندان در برابر این اقدامات هوشیاری خود را حفظ کرده و فریب این افراد را خورند. این افراد از ناآگاهی شهروندان سوءاستفاده کرده و نسبت به کلاهبرداری از آنان یادسترسی غیرمجاز به اطلاعات هویتی افراد اقدام می‌کنند. مهم‌ترین اصلی که شهروندان باید در نظر بگیرند، این است که هیچ‌یک از دستگاه‌ها، شرکت‌ها و... در تماس تلفنی با آنان درخواست کد یا وجه نقد و... ندارند.

وی بالشاره به یکی از این شیوه‌های کلاهبرداری، گفت: یکی از مواردی که افراد سودجو در پوشش آن اقدام به کلاهبرداری از دیگران کرده‌اند، کلاهبرداری در پوشش تماس به بناهه کابل برگردان مخابرات است. شهروندان باید توجه داشته باشند که هرگونه تماس تلفنی با عنوان شرکت مخابرات به بناهه کابل برگردان، قطع خطوط تلفن و درخواست کد از آنان، کلاهبرداری است. معاون اجتماعی پلیس فتای فراجانسبت اعلام داد: افراد سودجو در تماس خود با شهروندان از آنان درخواست می‌کنند که مثلاً کدهای ارسال شده در پیامک یا تماس‌های صوتی را در اختیار آنان قرار دهند تا از قطع تلفن‌شان جلوگیری شود.... این موارد همگی کلاهبرداری محسوب شده و شهروندان باید توجه داشته باشند که هیچ‌عنوان کدهای دریافتی از تلفن ثابت یا تلفن همراه خود را برای هیچ‌کس فرایت نکند.

وی بایان این که اعلام چنین کدهایی می‌تواند به دسترسی غیرمجاز به حساب افراد، سوءاستفاده از اطلاعات شخصی و... منجر شود، گفت: اصل مهم همان موضوعی است که در ابتداء آن اشاره کرد، هیچ‌یک از دستگاه‌ها، شرکت‌ها، نهادهای و... در تماس با شهروندان از آنان درخواست کد و وجه نقد و... نمی‌کنند و اگر شهروندان با چنین تماس‌هایی مواجه شدند، حتماً اصالت آن شک کرده و با تماس گیرنده همکاری نکنند. پاشایی در بین از شهروندان خواست که موارد مشکوک را از طریق تماس با مرکز فوریت‌های سایبری در سایت پلیس فتای اطلاع‌رسانی کنند.

از نفس بازی کردن خسته شدم. گرچه گل محمد سعی داشت او را ساخت اما بسیر دیگر تحمل عذاب و جدان رانداشت و گفت: مامرتکب قتل شده‌ایم.

شرط بازگشت

هر دوی آنها بازداشت شدند و ساعتی بعد بسیر مقابله روی صندلی نشسته بود و شروع به صحبت کرد: «عامل تمام بدینکه های من گل محمد است. داشتم کنار زن و بجهام در افغانستان خوب نبود اما دلهم که گل محمد سراغم آمد و بیشنهاد کار در ایران را داد. وضع زندگی ام در افغانستان خوب نبود بردار نبود. آنقدر گفت و گفت تا این که راضی شدم همراه او به ایران بیایم آن هم قاچاقی» او ادامه داد: «این سفر را به یک شرط پذیرفتم آن هم این بود که بعد از یک سال کار و پول جمع کردن به دیار خودمان برگردیم. زمانی که به ایران رسیدیم شروع به کارگری و چاهکنی کردیم و در آدمان به قدری نبود که بتوانیم پول زیادی پس اندازکنیم. یک سال گذشت و ماموفق نشدمیم پول زیادی به دست آوریم و طبق شرطی که گذاشته بودیم به کشورمان برگردیم». مرد تبعه افغانستان سکوت کرد و بعد از دقاچی ادامه داد: «وقتی گل محمد به این نتیجه رسید که با کارگری نمی‌توانیم پولدار شویم، نقشه سرقت از راننده‌های عبوری و قتل آنها را طراحی کرد. نقشه به این صورت بود که بالباس کارگری کنار بزرگراه می‌ایستادیم و با دیدن خودروهای تک سرنشین، دست مان را بالا می‌گرفتیم تا راننده‌های نگهداشته باشد. بعد هم با این بناهه که کارگر هستیم و تازه کار پیدا کردیم و اگر دیربه محل کارمان برسیم کار از دست می‌دهیم راننده‌گران را مجاب کنیم ما را سوار ماشین کنند و به مقصد برسانند. گرچه مقصدی در کار نبود و جایی که راننده‌ها ما را می‌برند در اصل قتلگاه‌شان بود».

هوا رو به تاریکی می‌رفت که یکی از بیست‌های ایست بازرسی توقيف خودروی پژو پرشیار به مالک کرد. سرنشینان خودرو مشکوک به نظر می‌رسیدند و همین مساله باعث شده بود ماموران خودرو را متوقف کنند. راهی محل که شدید افسر نگهبان با دیدن من گفت: جناب سروان، در ایست بازرسی زمانی که مدارک خودرو را خواستیم راننده مدعی شد که فراموش کرد مدارک ماشین را با خودش بردارد اما خودرو متعلق به صاحبکارش به نام افشین است. از ظاهر و لجه‌شان می‌شد فهمید که افغانستانی هستند اما انجه نظرم را به خود جلب کرد، آشفتگی چهره دو مرد تبعه افغانستان ولکه های خون روی صندلی و داخل خودرو بود. او ادامه داد: چون به آنها مشکوک شده بودم، به بازرسی بدین پرداختم که داخل جیب یکی از آنها چاقویی خونی پیدا کردم. روی دست و صورت شان نیز جای خراشیدگی دیده می‌شد که به نظر می‌رسید در دیگری با شخصی ثالث به وجود آمده است. چهره نفر دوم هم با این که مورد مشکل داری به همراه نداشت، بسیار رنگ پریده بود و تناظر گویی زیادی داشت. تمام این مدارک را که کنار هم قرار دادیم، به این نتیجه رسیدیم که داخل خودرو در گیری خونین رخ داده و احتمالاً خودرو نیز سرقته است. افسر نگهبان با آن که پسری جوان بود اما جزئیات را خیلی خوب دیده بود و شاید او اگر آن روز ب خودرو مشکوک نمی‌شد، راز این جنایت هولناک هرگز بر ملامتی شد. سراغ دو مرد تبعه افغانستان رفت. مردی که چاقوی خونین از جیب او پیدا شد، گل محمد نام داشت. رو به آنها گفت: شما سوار بر خودرویی هستید که مدارک را به همراه ندارید؛ گل محمد خیلی سریع و بی آن که به دوستش اجازه حرف زدن بددهد، گفت: فراموش کردیم با خودمان بیاوریم. همین الان بشیر رامی فرستم برود از صاحبکارمان مدارک را بگیرد. به محض این که گل محمد این جمله را بیان کرد، بشیر ناگهان از کوره در رفت و با فریاد گفت: دیگر نمی‌توانم تحمل کنم و می‌خواهم همه چیز را بگویم.

اعتراف به ۳ قتل

مرد تبعه افغانستان نگاهی به من انداخت و ادامه داد: «من روی صندلی جلوی نشستم و گل محمد روی صندلی عقب خودرو، مامدت هاست در این منطقه کارگری کرده‌ایم و اینجا راثمل کف دست مان می‌شناسیم. بعد از طی مسافتی از راننده می‌خواستیم وارد جاده فرعی شود و زمانی که به اندازه کافی از جاده اصلی فاصله می‌گرفتیم، گل محمد از پشت سرگلی راننده را می‌گرفت و بعد هم به او چاقو می‌زد. بعد از کشتن راننده‌ها، پول شان را بر می‌داشتیم و بعد هم به سفارش گل محمد، برای این که باید اشدن جسد راننده‌ها پلیس به جست و جوی قاتلان آنها پردازد، جسد ها را داخل چاه می‌انداختیم. تا به الان سه راننده را با همین شیوه و شگرد به قتل رسانده‌ایم. بعد از این که لوازم بالارزش داخل خودروها را سرقت می‌کردیم و با خودروی سرقته چند روزی گشته می‌زدیم، خودروها را هاکرده و سراغ راننده دیگری می‌رفتیم تا او را به کام مرگ کشانده و سوایش را سرقت کنیم. ازاول هم با این کار مخالف بودم اما وسوسه پولدار شدن و زندگی پر از آرامش و راحتی برای خانواده‌ام باعث شد با گل محمد در این جنایات همراه شوم».

با اعتراف بشیر به جنایت، گل محمد که سکوت و کتمان را باید نتیجه می‌دید، پرده از راز تل هایش برداشت. با راهنمایی عاملان جنایت، چاه‌هایی که جسد ها در آنچه را شده بودند را شناسایی کردیم و جنازه های بیرون آورده شدند. با کشف اجساد سراغ پرورنده افراد فدقانی رفته و در نهایت هویت قربانیان شناسایی شد. دو مرد تبعه افغانستان نیز که به انعام قتل بازداشت شده بودند روانه زدن شدند و از این جنایات، با تيزهوشی افسر نگهبان یکی از ایست های بازرسی بر ملا شد.

